

بحثی پیرامون جنبش دانشجویی

ر.راسخ

renowa1000@aol.com

الف (درگیرهای جناحی

پس از طرح لوایح دوگانه پیشنهادی خاتمی یعنی تبیین اختیارات و وظایف رئیس جمهور و اصلاح قانون انتخابات، جناح به اصطلاح محافظه کار سعی دارد با پیش کشیدن مسائل جنبی از جمله حکم اعدام هاشم آغاچری و محاکمه عبدی جناح رقیب را تحت فشار قرار داده تا شاید باعث عقب نشینی این جناح گردد. اصطلاح طلبان بر این اعتقاد هستند که دنباله روی از سیاستهای جناح محافظه کار و انسداد سیاسی موجود، سبب انفجار و انقلاب خواهد شد؛ آنان نه بعنوان حامیان تغییرات زیربنائی اجتماعی بلکه به عنوان آمران حکومتی، جایگاه خود را نیز در معرض خطر بسیار جدی می بینند. از همین روی، سعی دارند که جناح رقیب را به پذیرش سیاستهای جدید خود ترغیب نمایند. اما از طرف دیگر جناح محافظه کار بر این اعتقاد است که هر گونه تغییری در ساختار کنونی حکومت، منجمله: حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان، نه تنها می تواند موجودیت جناحی آنها را با خطر مواجه سازد، بلکه چنین رویکردی موجودیت کلیت ساختار حاکمیت اسلامی را نیز در معرض سئوال قرار خواهد داد.

اما گسترش اعتراضات دانشجویی نشان داد که عملکرد جناح محافظه کار نه تنها باعث استحکام نظام نشد بلکه به زیان تمامیت حاکمیت اسلامی انجامید؛ به طوری که شعارهای دانشجویانی که بعضا قسمتی از مطالبات جناح اصلاح طلب را مبنی بر آزادی هاشم آغاچری در بر داشت، کم کم خصلتی رادیکال به خود گرفته و ترس هر دو جناح را برانگیخت. در این جا نظرات فعا لین هر دو جناح در ترس از گسترش اعتراضات دانشجویی خود گواهی بر این ادعاست. مثلا خود خاتمی خطاب به دانشجویان گفت: " باید کاملا پرهیز کنیم از این که این مسائل تبدیل شود به زمینه

یی برای سو استفاده ی کسانی که اصل جمهوری اسلامی را نمی خواهند" (ایسنا- 22 آبان ماه).

بهزاد نبوی یکی از فعالین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که خود را مخالف سرسخت جناح محافظه کار معرفی می کند در هراس از رادیکالیزه شدن اعتراضات دانشجویی خطاب به آنان می گوید " ۱۸ تیر سال ۷۸ را بیاد آورید و از آن درس بگیرید و تجمعات خود را با خونسردی و آرامش برگزار کنید تا شرایطی بوجود نیاید که ما دچار ضرر و زیان شویم" .

و عسگر اولادی، سرکرده موتلفه اسلامی که یکی از مدافعان سرسخت جناح محافظه کار است ضمن مسئول دانستن جناح رقیب، توصیه های امینی برای کنترل و سرکوب اعتراضات را به این صورت طرح می کرد که: " وزرات علوم باید مسئولیت این اجتماعات را بپذیرد. همچنین وزارت اطلاعات برخی از روابط مشکوک و دستهای پنهان نفاق، در به وجود آوردن انحراف در این اجتماعات و نیز بهره برداری سو از آن را ارزیابی کند، به نظر می رسد عده پی در صدند حادثه شوم 18 تیرماه را تکرار کنند..." (ایسنا 21 آبان ماه 1381).

با گسترش تظاهرات و اعتراضات دانشجویی در سراسر کشور، کروی ری رئیس مجلس رژیم از هاشم آجاجری خواست تا نسبت به حکم دادگاه، درخواست تجدیدنظر نماید؛ اما محسن آرمین، نماینده مجلس و عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب، اعلام کرد که هیچ درخواست تجدیدنظر و بخششی در کار نخواهد بود تا از این طریق جبهه اصلاح طلبان بتوانند امتیازات هرچه بیشتری را از محافظه کاران بگیرند. بالاخره شاهرودی و سایر آخوندهای بالا رتبه دستگاه قضائی رژیم پس از مذاکراتی با جناح اصلاح طلب ضمن بحرانی دانستن موقعیت برای هر دو جناح، خواستار آن شدند که اصلاح طلبان، آجاجری را به درخواست تجدید نظر وادار سازند. چندین روز بعد از این مذاکرات بود که هاشم آجاجری درخواست تجدید نظر بر حکم صادر شده توسط دادگاه را اعلام نمود.

ب) نقش تشکلات دانشجویی (دو جناح) و ظهور نیروهای گریز از مرکز

دو جناح از طریق تشکلات دانشجویی وابسته به خود سعی نمودند که از اعتراضات دانشجویی به عنوان اهرم فشار بر یکدیگر استفاده نمایند.

دفتر تحکیم و انجمن های اسلامی دانشگاهها که زیر نفوذ جناح اصلاح طلب (مشارکتی) هستند، در ابتدا سعی کردند که از طریق حرکت‌های که نام آنها را اعتراضات قانونی گذاشته بودند، شعارهای جناح اصلاح طلب که دیگر بسیار نخ نما شده بود را مجدداً در بین دانشجویان مطرح نمایند. دانشجویان مستقل نیز که فرصت را مغتنم یافتند با طرح شعارهای حداکثر و طرد شعارهای انحرافی، حرکت‌های قانونی را به حرکت‌های غیر قانونی (بخوانید نفی کلیت حاکمیت) بدل ساختند.

از طرف دیگر جناح محافظه کار با یاری بسیج دانشجویی و لباس شخصی ها به ضرب و شتم و دستگیر کردن دانشجویان معترض پرداختند.

مماشات تشکلات نظیر دفتر تحکیم و انجمن های اسلامی از طرفی و توحش نیروهای سرکوبگر بسیج دانشجویی و لباس شخصی ها از طرف دیگر، راه را برای شکل گیری **جریانهای گریز از مرکز دانشجویی** فراهم کرده است. جریاناتی مستقل، که دیگر هیچ توهمی نسبت به تشکلات دانشجویی رژیم (از هر دو جناح) نداشته و خود را در مقابل کلیه رویدادهای اجتماعی و سیاسی جامعه مسئول می دانند. اگر تا دیروز شعارهای دمکراتیک (نظیر آزادی زندانی سیاسی)، شعار بسیار رادیکال و تعیین کننده برای جنبش دانشجویی بود، مستقل دانشجویی علاوه بر شعار های دمکراتیک به طرح شعار فراگیر دیگری نظیر اعتصاب عمومی نا محدود، ایجاد شورای مقاومت مخفی برای رهبری اعتراضات، درخواست استعفای ریاست جمهور هیچ کاره و رسیدگی به دزدیهای کلان باندهای هئیت حاکم می پردازد. (نگاه کنید به پیشنهادات جمعی از دانشجویان دانشگاههای تهران 81/8/29)

ج) اعتراضات کارگری و جنبش دانشجویی

پس از اجتماع دانشجویان (27 آبان ماه) در دانشگاه صنعتی امیر کبیر ، کارگران ایران ناسیونال و سایپا نیز در جلوی دانشگاه اجتماع کردند. همزمان شدن اعتراضات کارگران و دانشجویان، زنگهای خطر را برای سرکردگان رژیم به صدا در آورد. دو جناح به این نتیجه رسیدند که کرکری خواندن برای یکدیگر را، باید به زمان دیگری موکول کنند . از این زمان بعد روش برخورد رژیم با تجمعات دانشجویی تغییر کرد. در روش جدید مقابله با اعتراضات دانشجویی، علاوه بر تاکید بر جدائی اعتراضات دانشجویی از سایر اقشار و طبقات (بخصوص طبقه کارگر)، بر استفاده از زور و برخورد فیزیکی نیز تاکید شد.

سرکردگان رژیم کاملاً دریافته اند که اگر اعتراضات دانشجویی با اعتصابات و همبستگی کارگران معترض همراه شود دیگر راهی برای کنترل آن وجود نخواهد داشت. از همین روست که کانون عالی شورهای اسلامی کار به لغو تظاهراتی که قرار بود کارگران در 16 آذر انجام دهند، دست زده و اعلام نمود که کارگران به هیچ وجه نباید هیچ گونه تجمع یا راهپیمایی انجام دهند. مصادف شدن تظاهرات کارگران با شانزده آذر (روز دانشجو) بدون تردید خود حاکی از آن است که رژیم اسلامی چه قدر از یک کاسه شدن اعتراضات دانشجویی - کارگری در هراس است.

(د) از ایجاد تشکلات مستقل دانشجویی تا تشکیل حزب پیشتاز انقلابی

دانشجویان به مانند سایر اقشار اجتماعی، بدون تشکل نمی توانند هیچ یک از خواسته های خود را عملی و تحقق بخشند. وجود تشکلات مستقل دانشجویی سبب می شود که در موقعیتهای حساس، منطقی و در عین حال رادیکال ترین سیاستهای لازم جهت هماهنگی در بین صفوف دانشجویان معترض ایجاد شود. ایجاد تشکلات مستقل دانشجویی که بدنه ی فعالین و رهبری اشان را دانشجویان مبارز و مستقل بر عهده دارند قادر هستند در مدت کوتاهی به اعتراضات و مطالبات دانشجویان بعد سراسری بخشند.

پیکره های اولیه تشکلات مستقل دانشجویی می توانند بر بستر مبارزات و تجربیات دانشجویان و افشای سیاستهای تشکلات دانشجویی رژیم، ساخته و استوار گردند.

هر گونه کوتاهی از ایجاد تشکلات مستقل دانشجویی و روی آوردن به حرکات اعتراضی لحظه ای سبب می شود که در پایان هر حرکتی، فعالین دانشجویی منکوب و برای مدت طولانی جو پراکندگی و ناامیدی بر جنبش دانشجویی مستولی گردد.

بدون شک، با در نظر گرفتن شرایط بسیار خفه کننده در محیط دانشگاه ها و جامعه ایران، تشکلات مستقل دانشجویی نمی تواند بصورت علنی عمل کنند. چرا که تجربه نشان داده که رژیم با استفاده از دستگاه عریض و طویل سرکوبگرش، علاوه بر شناسائی فعالین دانشجویی درون دانشگاهها، به حذف فیزیکی آنان نیز مبادرت خواهد کرد؛ که این مساله به نوبه خود می تواند ضربه جبران ناپذیری را بر پیکره جنبش دانشجویی وارد سازد.

دانشجویان مبارز و آگاه علاوه بر سازماندهی خود، باید به ارتباط گیری منظم و ارگانیک با سایر اقشار و طبقات ستم دیده و زحمتکش، بخصوص پیشروان کارگری ارج نهند. با ارتباط ارگانیک با پیشروان کارگری، گستره فکری - عملی دانشجویان توسعه یافته و آنان خود را برای تحولاتی بنیادی تر آماده می سازند. در همین راستا پیشروان کارگری و پیشگامان جنبش دانشجویی به اتفاق سایر اقشار ستمکش می توانند گامهای اولیه در جهت ساختن حزب پیشتاز انقلابی را مهیا سازند. حزبی که قادر است با ریشه های مادی که در جامعه داراست از طریق اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه بساط حاکمیت سرمایه داری-آخوندی را در هم پیچیده و استقرار حکومت شورائی را تضمین کند.

یازدهم آذر 1381